

● دکتر نصرالله پوراملشی
عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

وقف‌نامه‌نویسی صفوی



■ هفت وقف‌نامه (نمونه‌هایی از یک‌صد و هفتاد سال وقف‌نامه‌نویسی در دوره‌ی صفویه)

■ محمدعلی خسروی

■ تهران، نشر صائین، چاپ اول، ۱۳۸۵، ۲۰۰ صفحه

صفویه منتشر شده است و شاید بتوان گفت تقدم در این زمینه با چاپ و انتشار موقوفات ظهیریه و صادقیه باشد. ضمن این که اقلیت‌های مذهبی دیگر مانند ارامنه نیز در فرار از فشارهای سیاسی خوانین و یا نگرانی از گرایش اعضای خانواده خود به دین اسلام و یا به لحاظ گرایش مذهبی و در رقابت با مسلمانان، املاکی را به اماکن مذهبی خود از جمله کلیسا وقف می‌کردند. اما با رسمی شدن مذهب تشیع و غلبان تعصب مذهبی مردم و حمایتی که دربار صفویه در این راستا انجام می‌داد، فرهنگ وقف در جامعه تشیع ایران رونق مضاعف یافت و با استقبال همگانی روبه‌رو شد. کتاب هفت وقف‌نامه از جمله اسنادی است که رواج و گسترش فرهنگ وقف در شهرهای مختلف ایران را نشان می‌دهد که توسط اقشار مختلف جامعه مورد استقبال واقع شده است. این کتاب در طبقه‌بندی منابع، جزو منابع غیرتاریخ‌نگارانه دست اول تلقی می‌شود که کمک شایانی به بازسازی تاریخ تحولات مذهبی و اقتصادی ایران عصر صفوی دارد. فهرست عناوین آن به شرح زیر است:

- وقف‌نامه امیر فضل‌الله شهرستانی ۹۶۳ ه.ق. / کاشان - اصفهان
- وقف‌نامه تاجم آغا خاتون بنت خواجه حاکم بیگ ۱۰۱۲ ه.ق. / قزوین
- وقف‌نامه خواجه مقصود مشهور به کلاغباز ۱۰۵۱ ه.ق. / دزفول
- وقف‌نامه امیر مظفر حسینی چاشمی ۱۰۵۷ ه.ق. / سمنان
- تجدید وقف‌نامه خلیفه صفی قلی ۱۰۷۵ ه.ق. / اردبیل
- وقف‌نامه بیرام بیگ ۱۱۰۲ ه.ق. / اهر
- وقف‌نامه علیقلی آقا ۱۱۲۵ ه.ق. ۱۱۳۵ ه.ق. / اصفهان

محقق اگر چه در پیش‌گفتار توضیح کوتاهی در باب کتاب داده است؛ ولی در ورود به بازنویسی هر وقف‌نامه توضیحاتی اختصاصی در باب اشخاص و اسامی اماکن ارائه می‌کند. و در پایان کتاب، ضمن تهیه نمایه اشخاص و اماکن، سجع مهرها را نیز دو صفحه آورده

تاکنون تعداد کمی از وقف‌نامه‌های عصر صفوی چاپ و منتشر شده است، ولی هنوز بسیاری از وقف‌نامه‌ها هستند که به‌خاطر ملاحظات شخصی و یا حقوقی، صاحبان آن‌ها تمایلی به چاپ و انتشار ندارند. این در حالی است که وقف در عصر صفوی بسیار مورد توجه دربار صفوی بود و وقف املاک و مغازه و باغات فراوان توسط شاهان صفوی به اماکن مقدسه، به‌ویژه چهارده معصوم و مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی، الگویی برای خوانین، امراء و افراد برخوردار جامعه بود. در راستای این سنت حسنه بود که املاک و اموال فراوانی وقف اماکن مقدسه و مقابر امامان معصوم شد. این فرهنگ مذهبی به‌قدری مورد توجه قرار گرفت که درآمد وقف بخش قابل‌توجهی از اقتصاد عصر صفوی تشکیل می‌داد و هرچه به حکومت شاهان پایانی این دوره نزدیک می‌شویم، مقاماتی که امور وقف را رتق و فتق می‌کنند، اهمیت بیشتری می‌یابند. نویسنده عالم‌آرای عباسی از جمله وظایف صدر را ضبط موقوفات ذکر کرده است. در حالی که در نیمه دوم حکومت صفوی، گزارشگران اروپایی گاهی از وزیر موقوفات و گاهی از مستوفی موقوفات سخن گفته‌اند.^۱ به‌نظر می‌رسد با نزدیک شدن به دوران فرمانروایی شاه سلطان حسین و با برتری یافتن مقامات مذهبی بر مقامات سیاسی، فرهنگ وقف مقبول‌تر و رسیدگی به امور موقوفات مهم‌تر می‌شود. اردوبادی از وزیر موقوفات چهارده معصوم یاد کرده است. و درباره‌ی اهمیت آن آورده است:

«خدمت مزبوره بسیار خطیر و معتبر بوده، خصوصاً در زمان اعلی‌حضرت گیتی‌ستانی، شاه عباس ماضی، نهایت استقلال داشت. به حدی که (وزیر موقوفات) با وزیر اعظم برابری می‌کرد، مشهور است که روزی وزیر موقوفات چهارده معصوم با وزیر اعظم در حضور اشرف گفت‌وگو نموده، به او می‌گوید که اگر تو وزیر یک معصومی من وزیر چهارده معصوم»^۲

چنان‌که گفتیم، پیش از این نیز تعدادی از اسناد وقفی عصر

اولین وقفنامه مربوط به سال ۹۶۳ یعنی دوره شاه طهماسب است و آخرین آنها نیز مربوط به سالهای آخر زمامداری شاه سلطان حسین

است. از بین هفت وقفنامه به نظر می‌رسد فقط در مورد وقفنامه اول است که تصویر کامل اصل سند ارائه نشده است؛ در حالی که تصویر مهرها و سجلات بقیه وقفنامه‌ها را به‌طور کامل ارائه کرده است و این بیانگر حساسیتی و دقت نظری است که محقق در این زمینه از خود نشان داده است.

چنانکه از فهرست فوق برمی‌آید، اولین وقفنامه مربوط به سال ۹۶۳ یعنی دوره شاه طهماسب است و آخرین آنها نیز مربوط به سالهای آخر زمامداری شاه سلطان حسین. از منظر مکانی نیز این املاک وقف‌شده مربوط به شهرها و مناطق متفاوت ایران است و محقق ضمن بازنویسی، توضیحاتی مختصر در باب هر یک از آنها ارائه کرده است که دانش تاریخی خواننده را در مورد هر یک از آنها افزایش می‌دهد و زمینه را برای استفاده مطلوب مناسب می‌سازد. هرچند هنوز اسامی و عباراتی هستند که ذکر توضیح آنها می‌توانست اهمیت موارد وقف را بهتر نشان دهد؛ مانند «کارخانه شعرافی» در صفحه ۱۶۷ و یا نام مکان «چهار حوض» در صفحه ۱۶۵. بدون شک بازخوانی و بررسی اسناد وقفی، ضمن کمک به تاریخ محلی شهرها و ایالات مختلف، جایگاه و اهمیت وقف را در عصر صفوی بیان می‌دارد. چنانچه توضیحاتی مختصر در باب انگیزه وقف از نظر حاکم وقت و جایگاه آن در سیاست کشور داری و سیاست مذهبی حکام و پادشاهان و حکام و به تبع آن خوانین و مردم می‌شد، مسلماً انگیزه‌های مذهبی و روانی توسعه وقف را در دوران فوق‌الذکر شفاف‌تر می‌ساخت.

۴. بدون شک انتشار این اسناد از نظر فقهی و حقوقی نیز قابل ملاحظه است؛ چرا که در تدوین تاریخ قضاء اسلامی و قوانین حاکم بر اداره امور موقوفات، بیانگر نوعی رویه قضایی به‌شمار می‌آید و دقت نظر به شرایط و ضوابط متولی، ناظر و متصدیان امور به عنوان یک رویه حقوقی، الگویی برای اموال و املاک وقفی محسوب می‌شوند. به‌ویژه این که در این اسناد، به حفظ و نگهداری موقوفات و تداوم آن توجه خاصی شده است.

۵. و سرانجام باید گفت: اسناد وقفی مانند سند شماره اول و آخر که به‌صورت مجموعه‌ای از اموال و دارایی‌های گوناگون غیرمنقول است، دایره شمول و مصادیق رایج در فرهنگ وقف را نشان می‌دهد که غالباً چه نوع اموالی را به وقف اختصاص می‌دادند، از قبیل: مزارع، باغات، مغازه، آسیاب و...؛ و یا این که وقف‌کنندگان از کدام اقصای اجتماعی بودند: حکام، خوانین، آقا، خانم و قافلهدار...؛ از طرف دیگر، اماکن و مقابری که وقف به آنها اختصاص می‌یابد و اموری که باید از طریق درآمدهای وقفی تأمین شود، بیانگر شناخت افراد از ضرورتها و نیازهای جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند از قبیل: زیارت، نظافت، طبابت، تدریس، رفاه و امنیت و... بدون شک مطالعه تطبیقی این موارد و نظایر آن با دوران ماقبل و مابعد صفویه بیانگر گرایش و چرخشی خواهد بود که در این دوران در تحول تاریخی ایران رخ داده است و متعاقب آن تسهیلات و موانع رشد و توسعه تاریخی این مرز و بوم را نشان خواهد کرد.

پی‌نوشت:

۱ - مینورسکی؛ سازمان اداری حکومت صفوی؛ ترجمه مسعود

رجب‌نیا، زوار، تهران، ۱۳۳۴، ص ۷۳ و ۱۴۸

۲ - نصیری اردوبادی؛ القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه؛ تصحیح

یوسف رحیم لو، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۱، ص ۴۹

می‌شود که فواید انتشار آن را مضاعف می‌نماید. از جمله:

۱. انتشار این کتاب به شناخت بهتر نام آبادی‌ها، مزارع، باغ‌ها، داکاین، کارخانه‌ها و آسیاب‌ها و مشاغل کمک می‌کند. ضمن این که نشانی محل‌های قیدشده را به‌خاطر حساسیتی که در مورد امور وقفی وجود داشت دقیق‌تر بیان کرده‌اند و اساساً این نوع اطلاعات در نگارش و بازسازی جغرافیای تاریخی مناطق مربوط مفید و سازنده خواهد بود.

۲. لازمه شناسایی و بازخوانی اسناد وقفی، برخوردار بودن از اطلاعات سندشناسی است و خوانندگان تاریخ همانند محقق این اسناد، می‌توانند در این اسناد علاوه بر نوع خط، جنس کاغذ، مهرها و سجلات با ادبیات و داده‌های تاریخی آشنا شوند که در فرهنگ دینی جامعه از اهمیت خاصی برخوردار بوده است.

۳. ضوابط و شرایطی که در وقفنامه‌ها در مورد متولی ناظر وقف و چگونگی تداوم آن در طول زمان وجود دارد، بیانگر دقتی است که